



وحید موساییان گفت: سعی کردم در «گلچهره» برای اینکه فیلم مخاطب داشته باشد، افغانستانی را نشان دهم که کمتر دیده‌ایم.

این کارگردان سینما همزمان با اکران فیلمش در گفت‌وگویی با اشاره به شکل‌گیری ایده ساخت فیلم «گلچهره» اظهار کرد: خبری را سه چهار سال پیش خواندم مبنی بر اینکه با مسلط شدن طالبان بر افغانستان، بسیاری از عناصر فرهنگی را مانند سینماها و تئاترها را از بین می‌برند و سپس به سراغ فیلمخانه افغانستان خواهند رفت. بنابراین کارکنان فیلمخانه برای نجات آنجا در اتاقی که مقابلش دیوار کشیده بودند، فیلم‌ها را چهار سال مخفی کردند.

وی در عین حال گفت: مستندی هم در این خصوص در قالب گفت‌وگو با کارکنان فیلمخانه ساخته شده بود بنابراین استارت اولیه‌ی از این خبر خورد. در ابتدا تصمیم داشتیم فیلم را در قالب مستند بسازیم اما بعد از اینکه تحقیقاتی انجام دادم، تصمیم گرفتم به صورت سینمایی کار کنم. موساییان درباره لوکیشن «گلچهره» گفت: برنامه داشتیم فیلم را در کابل فیلم برداری کنیم اما متأسفانه به دلیل شرایط این شهر و حساسیت‌هایی که موضوع فیلم داشت ما را از این کار منصرف کردند و حتی به جایی رسیدیم که فیلم را نسازیم چون نمی‌خواستیم به جایی کابل، تصاویر روستایی را در ایران نشان دهم.

وی افزود: درخراسان به دنبال لوکیشن گشتیم اما جایی که شبیه آنجا باشد را پیدا نکردیم و در نهایت تصمیم گرفتیم محله‌ای از کابل را شامل سینما، میدان و خیابان در اطراف بیرجند بسازیم. این کارگردان با اشاره به انتخاب بازیگران این فیلم خاطرنشان کرد: مسعود رایگان را که پیش از این در دو فیلم با او همکاری داشته‌ام را از همان ابتدای نگارش فیلمنامه برای یکی از دو نقش اشرف خان و گودرز در نظر داشتیم که در نهایت قرار شد نقش اشرف خان را بازی کند و فیلمنامه براساس شخصیت او بازنویسی شد.

موساییان گفت: برای نقش رخساره هم گزینه‌های دیگری داشتیم و در نهایت با توجه به اینکه لادن مستوفی در نقش‌های شهری جا افتاده بود با تردید به سراغ او رفتیم. اما با پشتکاری که از ایشان دیدیم معتقدم بهترین انتخاب را انجام دادیم.

این کارگردان با اشاره به دیگر بازیگران گفت: افشین و هدایت هاشمی با توجه به نگاهی که به این حرفه دارند درگیری خوبی با نقششان پیدا کردند و با توجه به اینکه افشین هاشمی از نقشش بسیار جوانتر بود اما به خوبی از پس آن برآمد.

وی افزود: در خصوص حسین محب‌اهری هم گاهی وقت‌ها تصاویر کلیشه‌ای از بازیگران در ذهن ما وجود دارد به هر حال ما مقصر هستیم که آنها را براساس نقش‌هایشان قضاوت می‌کنیم و در نهایت طرافت و طنازی که ایشان در این نقش داشتند را در هیچ گزینه دیگری ندیدم. موساییان ادامه داد: در وهله اول که سراغ افغانستان رفتیم فکر کردم با توجه به دیگر آثاری که در این کشور ساخته شده مردم کمتر به سراغ آن بروند. اما سعی کردم افغانستانی را نشان دهم که کمتر دیده شده است.

این کارگردان طراحی لباس و لهجه را در این فیلم بسیار مهم خواند و گفت: برای ساخت این فیلم دو مسأله اصلی لازم بود که اگر نبود ارتباط برقرار کردن با آن بسیار سخت می‌شد. یکی لباس و دیگری

لهجه که برای لهجه مشاور زبان مدت‌ها با بازیگران کار کرد و در تمام پلان‌ها نیز حضور داشت. موساییان درباره شرایط اکران «گلچهره» به ایسنا توضیح داد: در ابتدا با گروه سینمایی «آزادی» قرارداد داشتیم اما نوبت اکران به جشنواره فیلم فجر می‌رسید بنابراین در نهایت تصمیم گرفتیم آن را در گروه مخاطب خاص که زمان بیشتری را در بر می‌گیرد، اکران کنیم. وی افزود: در حال حاضر سینماهای «گلچهره» کم هستند و بعضاً سانس‌های محدودی داریم و اگر بتوانیم با همین تعداد سالن و سانس مخاطبین فیلم را که همه را شامل می‌شوند به سینما بکشانیم موفق شده‌ایم.

موساییان درباره اکران این فیلم در خارج از ایران نیز اظهار کرد: رایزنی‌هایی انجام شده است تا فیلم توسط بخش بین الملل بنیاد سینمایی فارابی در افغانستان و تاجیکستان اکران شود. زمان نمایش فیلم در جشنواره افرادی از تلویزیون افغانستان و سفیر و اعضای سفارت این کشور در ایران فیلم را دیدند که خوشبختانه بازتاب خوبی در میان آنها داشت.

این کارگردان در بخش پایانی سخنانش از احمد میرعلائی مدیر عامل بنیاد سینمایی فارابی برای حمایت از ساخت این فیلم قدردانی کرد و گفت: ایشان زمانی از فیلم حمایت کرد که «گلچهره» می‌توانست اصلاً ساخته نشود و در پوشه‌ی فیلم‌های رد شده قرار داشت اما تنها شناسش تغییر مدیریت فارابی بود و سرانجام آقای میرعلائی با نگاهی خوبی به موضوع فیلم برخورد کردند. وی تأکید کرد: سه سال پیش فیلمنامه «گلچهره» در بسیاری از جاها رد شد اما بعد که ساخته شد همه از آن تعریف کردند.

موساییان درباره فیلم جدیدش گفت: فیلمنامه‌ای را به عنوان «فرزند چهارم» درباره اتفاقات و شرایط انسانی آفریقا دارم که پنجشنبه برای بازیابی لوکیشن‌ها سفری را به این قاره خواهیم داشت. داستان «گلچهره» درباره اشرف خان صاحب سینمای کابل است که پس سقوط دولت کمونیستی نجیب‌الله و تسلط مجاهدین بر کابل می‌خواهد سینمایش را باز سازی کند اما یکپارچگی دولت دیری نمی‌پاید و جنگ‌های داخلی بار دیگر از خرابه‌های کابل سر برمی‌آورد و این جنگ به فیلم‌خانه ملی افغانستان نیز راه می‌یابد، جایی که تاریخ تصویری یک ملت در آن نهفته است.